



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Analysis of the Jurisprudential and Legal Foundations of Criminal Protection of Mines

Mohsen Malek Afzali¹, Morteza Fathi², Azizullah Rezaei^{*3}

Received:

08 Aug 2025

Revised:

18 Oct 2025

Accepted:

22 Nov 2025

Available Online:

21 Mar 2026

Keywords:

Criminal Protection,
Mining,
Jurisprudence,
Governance Over
Minerals.

Abstract

Mines, as a national asset, do not belong to one generation so that they can be dealt with indiscriminately and without regulation; rather, they belong to the entire nation and even future generations; therefore, they must be exploited in a way that does not violate the rights of others. Sometimes it is observed that some people attempt to extract minerals in an unprincipled or unregulated manner. On the one hand, this act can be considered an infringement on the rights of others and, on the other hand, it can lead to changes in the ecosystem, which in turn threatens the health of society and the environment. In the meantime, the question of the feasibility of protecting mines is raised; meaning that the possibility of protecting mines against unjustified encroachments should be examined so that the encroachments face legal and legal punishments. The present research seeks to answer this question using a descriptive-analytical method and library tools. The findings of the research indicate that by adhering to legal principles and jurisprudential criteria such as non-harm, the prohibition of the acquisition of property by falsehood, the principle of state sovereignty over mines, and the principle of the necessity of sustainable development, criminal protection of mines can be proven and the encroachments held accountable.

1 Assistant Professor, Department of Law, Yazd University, Yazd, Iran.

2 Assistant Professor, University of Qom, Qom, Iran.

3 Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Al- Mustafa International University, Qom, Iran.
(Corresponding Author) Email: rezaeiaazizullah95@gmail.com*

Please Cite This Article As: Malek Afzali, M; Fathi, M & Rezaei, A (2026). "Analysis of the Jurisprudential and Legal Foundations of Criminal Protection of Mines". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(1): 115-124.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱۱۵-۱۲۴)

تحلیل مبانی فقهی و حقوقی حمایت کیفری از معادن

محسن ملک‌افضلی^۱، مرتضی فتحی^۲، عزیرالله رضای^{۳*}

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۲. استادیار، دانشگاه قم، قم، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه جامعه المصطفی، قم، ایران. (نویسنده مسؤؤل)

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

معادن به‌عنوان یک سرمایه ملی، متعلق به یک نسل نیست تا بتوان به‌صورت بی‌رویه و بی‌ضابطه با آن مواجهه نمود، بلکه مال همه ملت و حتی نسل‌های آینده نیز است. از این رو باید از آن به‌گونه‌ای بهره‌برداری شود که حقوق دیگران تضییع نگردد. گاهی مشاهده می‌شود که برخی به‌صورت غیراصولی یا بی‌ضابطه اقدام به استخراج معادن می‌نمایند. این عمل از یک سو می‌تواند دستبرد به حقوق دیگران به‌شمار رود و از دیگر سو، تغییر اکوسیستم را به‌دنبال داشته باشد که برآیند آن، تهدید سلامت جامعه و محیط است. در این میان، پرسش امکان‌سنجی حمایت از معادن مطرح می‌شود، به این معنا که باید امکان حمایت از معادن در برابر تعدی‌های ناروا بررسی گردد تا تعدی‌کنندگان با سزاهای حقوقی و قانونی مواجه شوند. پژوهش فرارو با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با تمسک به اصول حقوقی و ضوابط فقهی، مانند لاضرر، حرمت اکل مال به باطل، اصل حاکمیت دولت بر معادن و اصل لزوم توسعه پایدار می‌توان حمایت کیفری از معادن را اثبات نموده، تعدی‌کنندگان را مسؤؤل انگاشت.

کلمات کلیدی: حمایت کیفری، معدن، قاعده فقهی، حاکمیت بر معادن.

مقدمه

دارد که در آن مواد با ارزش طبیعی، مانند فلزات، سنگ‌های قیمتی و سایر مواد معدنی وجود دارد و به‌صورت خودبه‌خودی به‌وجود آمده‌اند. در کتاب «المعجم الوسیط» معدن به‌معنای «محلی که در آن فلزات و سنگ‌های گران‌بها استخراج می‌شوند» تعریف شده است (المعجم الوسیط، ۱۹۸۰: ۶۹۰). در لغت‌نامه‌های فارسی نیز، معدن به مکانی گفته می‌شود که مواد معدنی، فلزات یا سنگ‌های بالارزش به‌طور طبیعی در آن انباشته شده‌اند. لغت‌نامه دهخدا، «معدن» را این‌گونه تعریف می‌کند: «مرکز چیزی؛ جایی که مواد معدنی یا سنگ‌های مخصوص در آن به‌طور طبیعی وجود داشته و انباشته شده است» (دهخدا، ۱۳۷۶: ۲۰۴). در فرهنگ معین نیز، معدن به‌معنای «محلی که در آن انواع فلزات و سنگ‌های بالارزش طبیعی در زیر یا روی زمین انباشته شده‌اند» آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۱۷۰۵).

۱-۲- اصطلاحی

در فقه اسلامی، معادن به‌عنوان بخشی از انفال و اموال عمومی به‌شمار می‌روند. انفال در شریعت اسلام به اموالی گفته می‌شود که مالکیت خصوصی ندارند و به‌عنوان اموال عمومی در اختیار حاکم اسلامی قرار دارند. مطابق فقه شیعه، معادن جزء انفال هستند و به امام (حاکم شرع) تعلق دارند. به‌طور کلی، فقها معادن را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: ۱- معادن سطحی؛ ۲- معادن زیرزمینی. این تقسیم‌بندی براساس نحوه استخراج و دسترسی به معادن صورت می‌گیرد. فقهای شیعه تعریفی از معادن ارائه کرده‌اند. برخی معتقدند که معادن به‌طور کلی به مکانی اطلاق می‌شود که در آن مواد معدنی وجود دارد و این مواد به‌طور طبیعی از زمین استخراج می‌شوند. برای مثال، شهید ثانی در کتاب «مسالك الافهام» معادن را به‌عنوان موادی که از زمین استخراج می‌شوند و حاوی خصوصیت یا ویژگی خاصی هستند که باعث افزایش ارزش آن‌ها می‌شود، تعریف کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۶۲/۱). علامه حلی نیز در کتاب «تذکره الفقها» بیان می‌کند که معدن هر چیزی است که از زمین استخراج شده و اصل آن زمین است، اما با داشتن خصوصیتی خاص که موجب انتفاع بیشتر از آن می‌شود، از دیگر مواد زمین متفاوت است (علامه حلی، ۱۴۰۷: ۱۵۸/۲).

معادن به‌عنوان یکی از منابع مهم و حیاتی، نقش اساسی در اقتصاد و توسعه پایدار دارند. بهره‌برداری درست از معادن می‌تواند به رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و بهبود شرایط زندگی کمک کند. با این حال، جرایم مرتبط با استخراج غیرقانونی، تخریب منابع و بهره‌برداری‌های غیرمجاز، تهدیدی جدی برای حفاظت از این سرمایه‌های ملی به‌شمار می‌روند. در چنین شرایطی، حمایت کیفری از معادن به‌عنوان یک ابزار قانونی می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از این جرایم و حفاظت از منافع عمومی ایفا کند. در ایران و افغانستان، این منابع طبیعی نه‌تنها برای رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی اهمیت دارند، بلکه تأثیر مستقیم بر امنیت ملی و استقلال اقتصادی کشورها دارند. با این حال، بهره‌برداری نادرست، استخراج غیرقانونی و ضعف در مدیریت معادن می‌تواند به تخریب محیط زیست، اتلاف منابع و تهدید منافع عمومی منجر شود. در این میان، حمایت کیفری به‌عنوان ابزاری حقوقی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از جرایم علیه معادن و تضمین بهره‌برداری صحیح و قانونی ایفا کند، اگرچه در هر دو کشور ایران و افغانستان قوانین کیفری برای حفاظت از معادن وضع شده است، اما همچنان کاستی‌هایی در جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا و تعیین مجازات‌های مؤثر وجود دارد، به‌ویژه در افغانستان، ضعف اجرایی و مشکلات امنیتی منجر به افزایش استخراج غیرقانونی معادن شده است. از این‌رو، بررسی تطبیقی حمایت کیفری از معادن در نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان و تحلیل مبانی فقهی مرتبط، می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و ارائه راهکارهایی برای بهبود سیاست‌های کیفری در این حوزه کمک کند. این مسأله نه‌تنها از نظر حقوقی، بلکه از منظر توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی، اهمیتی دوچندان دارد.

۱- مفهوم‌شناسی معادن

در مورد معدن بسان بسیاری از مفاهیم گستره علوم انسانی، تعریف جامع و مانعی ارائه نشده است، بلکه اندیشه‌وران این گستره به فراخور درکشان، شناسه‌های برای آن مطرح نموده‌اند که در ادامه به‌صورت گذرا بررسی خواهد شد.

۱-۱- لغوی

واژه «معدن» از ریشه «عَدَن» به‌معنای اقامت کردن و ثابت‌ماندن گرفته شده است. در زبان عربی، معدن به‌معنای «محل تجمع و انباشت مواد معدنی و فلزات به‌طور طبیعی در زیر یا روی زمین» تعریف می‌شود. این کلمه از نظر لغوی به مکان یا منطقه‌ای اشاره

زمین‌شناسی به وجود آمده‌اند، تعریف می‌کند. این مواد می‌توانند به صورت جامد، گاز، مایع، یا محلول در آب باشند.

مقررات بهره‌برداری: اصلاحات این قانون همچنین به جزئیات بیشتری در زمینه شرایط و قوانین بهره‌برداری پرداخته است. براساس این اصلاحات، بهره‌برداری از معادن نیازمند مجوز رسمی از نهادهای دولتی مرتبط، از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، است و هرگونه بهره‌برداری غیرمجاز از معادن جرم تلقی شده و مجازات‌های کیفری برای آن پیش‌بینی شده است.

در قانون معادن افغانستان، اصطلاح «منرال» برای مواد معدنی به کار رفته است. مطابق ماده ۴ این قانون، «منرال به هر نوع ماده مرکب طبیعی که از زمین یا آب استخراج می‌شود، اطلاق می‌گردد.» با این حال، قانون معادن افغانستان تعریف رسمی و مشخصی برای «معدن» ارائه نکرده است و بیشتر به مقررات بهره‌برداری، نظارت و مدیریت معادن پرداخته است.

براساس قانون معادن افغانستان، مدیریت منابع معدنی و حق بهره‌برداری از آن‌ها در اختیار دولت قرار دارد و بهره‌برداری از این منابع نیازمند دریافت مجوز از وزارت معادن و نفت است. این قانون همچنین تصریح می‌کند که بهره‌برداری غیرقانونی و استخراج غیرمجاز مواد معدنی تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد و مجازات‌های سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است (قانون معادن افغانستان، ۱۳۹۷، ماده ۱۲). هر دو کشور ایران و افغانستان معادن را به عنوان بخشی از ثروت‌های ملی و عمومی تعریف می‌کنند که باید تحت نظارت و مدیریت دولت باشند. با این حال، قوانین ایران تعریف جامع‌تری از معادن ارائه داده و به جزئیات بیشتری در زمینه شرایط بهره‌برداری پرداخته است، درحالی‌که قانون معادن افغانستان بیشتر به مقررات کلی و نظارت عمومی توجه دارد.

۲- مبانی حمایت کیفری از معادن

این بخش به مبانی فقهی و حقوقی حمایت کیفری از معادن می‌پردازد. بررسی اصول فقهی و حقوقی، از قبیل قاعده لاضرر، اصل حرمت اکل مال به باطل و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، درک جامعی از چهارچوب‌های نظری و حقوقی حمایت از معادن در نظام حقوقی ایران و افغانستان ارائه می‌دهد.

۲-۱- مبانی فقهی حمایت کیفری

وجود دارد. با این حال، تفاوت‌هایی در تفاسیر آن‌ها نسبت به شیعیان وجود دارد. برای مثال، مذهب حنفی معتقد است که معادن و دفینه‌ها (گنج‌ها) هر دو به طور کلی به اموالی اطلاق می‌شوند که در زیر زمین قرار دارند و تفاوتی میان آن‌ها قائل نیستند (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۷۸/۶). در مقابل، فقهای مالکی، شافعی و حنبلی معادن را از دفینه‌ها متمایز می‌دانند و معتقدند که معادن به موادی اطلاق می‌شوند که به طور طبیعی در زمین به وجود آمده‌اند و انسان در ایجاد آن‌ها دخالتی نداشته است (جزیری، ۱۴۲۴: ۱۱۵/۲).

قانون‌گذاران نیز نسبت به مفهوم معدن بی‌تفاوت نبوده، در مقررات قانونی، آن را شناسانده‌اند. در قانون معادن ایران، معدن به «محدوده‌ای اطلاق می‌شود که شامل ذخایر مواد معدنی طبیعی است و به صورت زیرزمینی یا سطحی وجود دارد.» در این قانون، ذخایر معدنی به عنوان انباشت طبیعی مواد معدنی در زیر یا روی زمین و همچنین به عنوان بخشی از انفال و ثروت‌های ملی تعریف شده‌اند. قانون معادن ایران مصوب ۱۳۷۷ و اصلاحات آن در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲، تعریفی جامع و دقیق از معدن و ذخایر معدنی ارائه داده است. این قانون بر موارد مختلفی، از جمله اکتشاف، بهره‌برداری و حفاظت از منابع معدنی تأکید دارد و معادن را به عنوان بخشی از ثروت‌های ملی و انفال معرفی کرده که تحت مدیریت و نظارت دولت قرار دارند.

براساس ماده ۱ قانون معادن ایران، تعریف‌ها و اصطلاحات مربوط به معادن به شرح زیر آمده‌اند: ذخیره معدنی، طبق بند «پ» ماده ۱، «ذخیره معدنی» به انباشت طبیعی مواد معدنی اطلاق می‌شود که در زیر یا روی زمین و یا محلول در آب‌ها قرار گرفته باشد. این ذخیره‌ها شامل انواع مواد معدنی است که قابلیت استخراج و بهره‌برداری را دارند. معدن، براساس بند «ب» ماده ۱ قانون معادن (اصلاحات سال ۱۳۹۰)، «معدن» به محدوده‌ای از زمین اطلاق می‌شود که شامل ذخیره مواد معدنی است. در اصلاحات سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲، تعریف معدن از حالت مشروط به مقرون‌به‌صرفه بودن اقتصادی خارج شد و صرف وجود ذخایر معدنی برای اطلاق عنوان معدن کفایت می‌کند. این تعبیر نشان‌دهنده آن است که هر محدوده‌ای از زمین که دارای ذخایر معدنی باشد، بدون توجه به شرایط اقتصادی، به عنوان معدن شناخته می‌شود. مواد معدنی: بند «الف» ماده ۱ این قانون، «مواد معدنی» را به صورت ترکیبات طبیعی که در زمین بر اثر تحولات

قاعده «حرمت اکل مال به باطل» یکی دیگر از اصول فقهی است که بهره‌برداری غیرمجاز از معادن و سایر منابع طبیعی را ممنوع می‌کند. این قاعده به معنای عدم جواز تصرف در اموال دیگران یا اموال عمومی به‌طور غیرمجاز و ناعادلانه است. قاعده «حرمت اکل مال به باطل» از قواعد مهم و بنیادین فقه اسلامی است که بر عدم جواز تصرف در اموال دیگران یا اموال عمومی به‌طور غیرمجاز تأکید دارد. این قاعده براساس آیه شریفه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء/۲۹) است که به مسلمانان توصیه می‌کند از تصرف ناحق در اموال دیگران پرهیز کنند.

امام خمینی در کتاب «تحریر الوسیله» تأکید دارد که بهره‌برداری از اموال عمومی، از جمله معادن، بدون اجازه حاکم شرع و دولت، به معنای تصرف در مال دیگران به صورت ناعادلانه است و حرام محسوب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ۲۴۳/۱). شیخ انصاری: در کتاب «المکاسب»، به قاعده «حرمت اکل مال به باطل» پرداخته و بیان می‌کند که تصرف در مال دیگری بدون مجوز شرعی، حتی اگر بدون ضرر آشکار باشد، از نظر فقهی حرام است. وی همچنین تأکید می‌کند که اموال عمومی نیز مشمول این قاعده‌اند و تصرف نادرست در آنها، از جمله معادن و منابع طبیعی، حرام محسوب می‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۸۵/۱). علامه حلی در کتاب «تذکره الفقهاء» بیان می‌دارد هرگونه تصرف در مال دیگری یا اموال عمومی بدون اجازه و رضایت، از مصادیق اکل مال به باطل است و حرام شمرده می‌شود. وی همچنین بیان می‌کند که: «تصرف در منابع طبیعی و اموال عمومی، مانند معادن باید تحت نظارت حاکم شرع صورت گیرد و در غیر این صورت باطل و غیرشرعی است» (علامه حلی، ۱۴۰۷: ۱۱۸/۲). شهید اول در کتاب «القواعد و الفوائد»، به قاعده حرمت اکل مال به باطل به عنوان یکی از اصول فقهی مهم اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که این قاعده شامل هرگونه تصرف نامشروع در اموال، اعم از خصوصی یا عمومی است. وی همچنین تصریح دارد که معادن به عنوان اموال عمومی، تحت شمول این قاعده قرار دارند و بهره‌برداری غیرمجاز از آنها حرام است (شهید اول، ۱۴۰۸: ۱۲۷/۱).

فقه‌های اهل سنت نیز بر این قاعده تأکید دارند. شافعی در کتاب «الام» این قاعده را به عنوان یکی از اصول مهم اخلاقی و حقوقی اسلام برای حفاظت از اموال عمومی معرفی می‌کند و تصرف ناعادلانه در اموال عمومی را حرام دانسته است (شافعی، ۱۴۲۲: ۱۰۲/۵). ابویوسف، از شاگردان ابوحنیفه، نیز در «کتاب

حمایت کیفری از معادن می‌تواند از رهگذر فقه و حقوق تحیل و بررسی گردد. فقه اسلامی که مدعی سامان‌بخشی زیست فردی و اجتماعی مسلمانان است، نمی‌تواند نسبت به معادن که نقش تعیین‌کننده در حیات اقتصادی و معیشتی جامعه اسلامی دارد، بی‌تفاوت باشد. بر این پایه، در فقه اسلامی، معادن به عنوان بخشی از اموال عمومی و انفال در نظر گرفته می‌شوند که بهره‌برداری از آنها بدون مجوز قانونی یا شرعی ممنوع است. قواعد فقهی متعددی در این زمینه وجود دارند که هر یک به گونه‌ای حفاظت از اموال عمومی و جلوگیری از بهره‌برداری غیرقانونی از منابع ملی، مانند معادن را الزامی می‌نمایند.

۱-۱-۲- کاربرد قاعده لاضرر در توجیه حمایت کیفری از معادن

قاعده «لاضرر» یکی از اصول اساسی فقه اسلامی است که در حدیث پیامبر اسلام (ص) با عبارت «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» آمده است و به عنوان یکی از اصول کلیدی در جلوگیری از هرگونه ضرر و زیان به دیگران، از جمله به منابع عمومی و طبیعی، مانند معادن، شناخته می‌شود. فقه‌های شیعه و اهل سنت بر این قاعده تأکید داشته‌اند و آن را به عنوان یکی از اصول مهم برای تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی در جامعه اسلامی به کار برده‌اند. شیخ طوسی، از بزرگ‌ترین فقه‌های شیعه، در کتاب «النهایه» توضیح می‌دهد که هرگونه تصرفی که موجب ضرر به عموم مسلمین شود، ممنوع است (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۱۵/۱). علامه حلی نیز در کتاب «قواعد الاحکام» با استفاده از قاعده لاضرر، تصرفات غیرمجاز در اموال عمومی را به عنوان عملی ناپسند و ممنوع تلقی کرده است (علامه حلی، ۱۴۰۲: ۳۲۰/۱).

در میان فقه‌های اهل سنت، ابن قدامه از مذهب حنبلی در کتاب «المغنی» تصریح می‌کند که هرگونه تصرفی که به منافع عمومی و منابع طبیعی آسیب برساند، قابل قبول نیست و باید جلوگیری شود، ابوحنیفه نیز در فقه حنفی بر همین اساس معتقد است که هرگونه ضرر به اموال عمومی یا بهره‌برداری بدون مجوز از منابع عمومی، باطل است و مستوجب مجازات است (سرخسی، ۱۴۰۵: ۸۹/۹). بنابراین یکی از مبانی حمایت کیفری از معادن در فقه فریقین قاعده «لاضرر» است.

۱-۱-۲- نقش قاعده حرمت اکل مال به باطل در توجیه حمایت کیفری از معادن

انفال به‌طور خاص به امام معصوم و در زمان غیبت به ولی فقیه واگذار شده و نیاز به اجازه و نظارت مستقیم او وجود دارد، درحالی‌که در فقه اهل سنت، حاکم اسلامی به نمایندگی از عموم مسلمانان این اختیار را دارد و بهره‌برداری از انفال نیازمند اجازه خاص شرعی نیست، بلکه تابع مصلحت عمومی و تصمیمات حکومتی است.

۲-۲- مبنای حقوقی حمایت کیفری از معادن

حمایت کیفری از معادن به دلیل اهمیت اقتصادی و ملی این منابع و همچنین به دلیل مخاطرات زیست‌محیطی و امنیتی ناشی از بهره‌برداری غیرمجاز و تخریب آن‌ها، در قوانین کیفری کشورهایی مانند ایران و افغانستان در نظر گرفته شده است. این حمایت‌ها به استناد اصول بنیادین حقوقی و با هدف پیشگیری از تصرفات غیرقانونی، حفاظت از منابع طبیعی و تضمین حقوق عمومی ارائه می‌شود. در این بخش به مبنای حقوقی حمایت کیفری از معادن با تمرکز بر اصولی چون اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل حاکمیت دولت اصل توسعه پایدار در حقوق کیفری ایران و افغانستان می‌پردازیم.

۱-۲-۲- کاربست اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در توجیه

حمایت کیفری از معادن

یکی از نظریه‌پردازان حقوقی برجسته، در کتاب «نظریه حقوق و دولت» به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به‌عنوان یکی از اصول بنیادی در حفاظت از حقوق بشر اشاره می‌کند. کلسن معتقد است که اصل قانونی بودن، قدرت دولت را در برخورد با افراد محدود می‌کند و مانع از تفسیرهای آزادانه مقامات اجرایی می‌شود (کلسن، ۱۳۸۷: ۶۵). در حقوق ایران، دکتر ناصر کاتوزیان نیز در کتاب «حقوق مدنی» به اهمیت اصل قانونی بودن پرداخته و بیان می‌دارد: «اصل قانونی بودن یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است که به‌طور مستقیم از حقوق طبیعی انسان‌ها و حفاظت از آن‌ها در برابر دولت سرچشمه می‌گیرد.» او معتقد است که این اصل تضمین می‌کند که هیچ شخصی بدون پشتوانه قانونی مجازات نمی‌شود و این امر مانع از سوءاستفاده و تفسیرهای شخصی از سوی مقام قضایی است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۵۴). دکتر آشوری، استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی، در کتاب «حقوق کیفری عمومی» بر اهمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تأکید کرده و آن را از ارکان اصلی حقوق کیفری می‌داند. بیان می‌دارد: «این اصل نه تنها حقوق و آزادی‌های شهروندان را حفظ می‌کند، بلکه به نفع خود نظام حقوقی نیز است، چراکه از ایجاد هرج‌ومرج و تفسیرهای سلیقه‌ای جلوگیری

الخراج» تصریح می‌کند که هرگونه بهره‌برداری از اموال عمومی باید با اجازه حکومت اسلامی صورت گیرد و تصرف ناعادلانه در منابع عمومی، حرام و مستوجب مجازات است (ابویوسف، ۱۴۰۳: ۱۳۱). این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که در فقه شیعه و اهل سنت، قاعده «حرمت اکل مال به باطل» به‌عنوان یکی از مبانی اساسی برای حمایت از اموال عمومی، از جمله معادن شناخته می‌شود. براساس این قاعده، قوانین کیفری نیز می‌توانند از بهره‌برداری‌های غیرمجاز جلوگیری کرده و تصرفات نادرست را جرم‌انگاری نماید.

۳-۱-۲- نقش قواعد فقهی مرتبط با انفال در توجیه حمایت

کیفری از معادن

معادن به‌عنوان انفال در فقه اسلامی در زمره اموال عمومی شناخته می‌شوند که در اختیار حاکم اسلامی قرار دارد. انفال به اموالی گفته می‌شود که مالک خصوصی ندارند و به‌عنوان اموال عمومی برای بهره‌برداری عموم مسلمین در اختیار حاکم قرار دارند. شیخ مفید در کتاب «المقنعه» بیان می‌کند که انفال شامل اموالی است که بهره‌برداری از آن‌ها نیازمند اجازه حکومت است و معادن نیز در زمره این اموال قرار می‌گیرند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۷). شیخ طوسی، از فقهای برجسته، در کتاب «المبسوط» بیان می‌کند که انفال شامل اموالی است که مالک خاص ندارند و شامل منابع طبیعی، مانند معادن نیز می‌شوند. وی تصریح می‌کند که بهره‌برداری از این اموال بدون مجوز حاکم شرع مجاز نیست و در غیر این صورت تصرف در مال عمومی و حرام محسوب می‌شود (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۹/۳).

در فقه اهل سنت، نیز معادن به‌عنوان انفال تلقی شده است. سرخسی، از فقهای حنفی، در کتاب «المبسوط» توضیح می‌دهد که معادن به‌عنوان اموال عمومی محسوب می‌شوند و بهره‌برداری از آن‌ها نیازمند مجوز حکومتی است (سرخسی، ۱۴۰۵: ۷۹/۱۰). ابن تیمیه از مذهب حنبلی نیز در کتاب «السیاسة الشرعية» تأکید دارد که بهره‌برداری از انفال باید با رعایت حقوق عمومی و تحت نظارت حکومت انجام شود (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۹۰).

این قواعد فقهی، زمینه‌ساز حمایت کیفری از معادن و جلوگیری از تصرفات غیرمجاز در آن‌ها بوده و اصول لازم برای تدوین قوانین کیفری را در حقوق ایران و افغانستان فراهم کرده‌اند. در مجموع، تفاوت اصلی در دیدگاه شیعه و اهل سنت به نقش و جایگاه حاکمیت بر انفال بازمی‌گردد. در فقه شیعه، حاکمیت بر

در معنای کلی، حاکمیت دولت به قدرت و اختیاراتی اشاره دارد که دولت برای مدیریت و کنترل منابع طبیعی دارد. این مفهوم ریشه در نظریه‌های حقوق بین‌الملل عمومی دارد و در مواد مختلف اسناد حقوق بین‌الملل مانند منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق و وظایف دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (UNGA, 1962: 7).

این اصل به کشورها اجازه می‌دهد که به‌طور مستقل سیاست‌گذاری کنند و کنترل و مدیریت لازم را بر منابع طبیعی خود اعمال نمایند. به عبارتی، اصل حاکمیت دولت بر منابع طبیعی بیانگر آن است که منابعی چون معادن باید به‌گونه‌ای مدیریت شوند که منافع ملی و عمومی تضمین شود و بهره‌برداری غیرقانونی و غیرمجاز از این منابع، تحت پیگرد قانونی قرار گیرد (Schrijver, 1997: 102).

در ایران، قانون اساسی و قوانین موضوعه مختلف، به‌ویژه قانون معادن، بر حاکمیت دولت بر منابع طبیعی تأکید دارند. اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت اعلام می‌کند که انفال و ثروت‌های عمومی، شامل منابع طبیعی، مانند معادن، تحت حاکمیت دولت بوده و بهره‌برداری از آن‌ها باید در راستای منافع عمومی باشد. همچنین قانون معادن ایران با در نظر گرفتن اهمیت معادن و منابع زیرزمینی، تمامی فعالیت‌های اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری را منوط به مجوز دولت می‌داند و بهره‌برداری بدون مجوز را جرم‌انگاری کرده است. این قانون در راستای حاکمیت دولت بر منابع طبیعی وضع شده و هدف آن حفظ و استفاده بهینه از منابع معدنی به‌عنوان سرمایه ملی است.

در افغانستان نیز، قانون اساسی و قانون معادن بر حاکمیت دولت بر منابع طبیعی تأکید دارند. ماده ۹ قانون اساسی افغانستان به صراحت ذکر می‌کند که منابع طبیعی کشور متعلق به دولت و مردم افغانستان است و باید در راستای منافع عمومی مدیریت شود. قانون معادن افغانستان نیز بهره‌برداری از منابع معدنی را بدون مجوز دولت جرم‌انگاری کرده و چهارچوبی برای صدور مجوز و نظارت بر فعالیت‌های معدنی تعیین نموده است. این قانون به دولت اختیار می‌دهد که بهره‌برداری‌های معدنی را به‌گونه‌ای مدیریت کند که به نفع مردم و اقتصاد ملی باشد.

۲-۲-۳- کاربرد اصل توسعه پاسدار در توجیه حمایت کیفری از معادن

می‌کند» (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۰۳). دکتر نجفی ابرندآبادی، استاد حقوق جزا، نیز به اهمیت این اصل در نظم و شفافیت سیستم قضایی اشاره کرده و در کتاب «مبانی حقوق جزای عمومی» بیان می‌کند که: «این اصل اساس حقوق کیفری مدرن است و تمامی جرایم و مجازات‌ها باید بر پایه قوانین مکتوب و مشخص باشند تا از نقض حقوق فردی جلوگیری شود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۸۵).

در نظام حقوقی ایران و افغانستان، این اصل به‌موجب اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده است و تأکید می‌کند که تعیین جرم و مجازات تنها در صلاحیت قانون‌گذار است و باید به‌صورت صریح و روشن در قانون ذکر شود. براساس ماده ۲۷ قانون اساسی افغانستان، هیچ عملی جرم تلقی نمی‌شود و مجازاتی ندارد، مگر آن که قانون به صراحت آن را به‌عنوان جرم تعریف کرده و مجازاتی برای آن تعیین کرده باشد. این اصل بنیادین حقوق کیفری به‌طور کامل در نظام حقوقی افغانستان نیز مورد تأکید قرار گرفته و تمام جرایم باید به‌صراحت در قانون تعریف شوند.

در حوزه معادن، این اصل بیانگر آن است که هرگونه بهره‌برداری غیرمجاز یا تخریب منابع معدنی تنها در صورتی جرم تلقی می‌شود که قانون آن را به صراحت جرم‌انگاری کرده باشد. به همین دلیل، قوانین کیفری ایران و افغانستان مانند قوانین معادن و جزای هر دو کشور، به صراحت به موضوع جرایم معدنی پرداخته و برای بهره‌برداری غیرمجاز، مجازات‌هایی نظیر جریمه نقدی و حبس تعیین کرده است. این اصل از حقوق شهروندان در برابر تفسیرهای سلیقه‌ای و عدم شفافیت در برخورد‌های قانونی محافظت می‌کند و شفافیت و امنیت حقوقی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد.

۲-۲-۲- کاربرد اصل حاکمیت دولت بر منابع طبیعی در توجیه حمایت کیفری از معادن

اصل حاکمیت دولت بر منابع طبیعی یکی از اصول بنیادی حقوق عمومی و منابع طبیعی در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، از جمله حقوق ایران و افغانستان، است. این اصل بیانگر این است که منابع طبیعی یک کشور، مانند معادن، جنگل‌ها و آب‌ها، به دلیل اهمیت استراتژیک و اقتصادی، تحت مالکیت و مدیریت دولت قرار دارند و دولت به‌عنوان نماینده منافع عمومی، اختیار قانونی برای حفاظت، بهره‌برداری و نظارت بر این منابع را داراست (Davies, 2011: 45).

اقتصادی و معدنی که منجر به تخریب جبران‌ناپذیر محیط زیست شوند، ممنوع است. همچنین قانون معادن ایران در مواد مختلف خود، تخریب غیرمجاز منابع معدنی و بهره‌برداری‌های خارج از چهارچوب مجوز قانونی را جرم‌انگاری کرده و برای این موارد مجازات‌های مشخصی در نظر گرفته است. این مقررات در واقع در راستای اجرای اصل توسعه پایدار تدوین شده‌اند تا ضمن بهره‌برداری اقتصادی، حفاظت از محیط زیست و منابع معدنی نیز تضمین شود.

در افغانستان نیز، اصل توسعه پایدار به‌عنوان یکی از اصول کلیدی در سیاست‌گذاری‌های معدنی و محیط زیستی مورد توجه قرار گرفته است. قانون معادن افغانستان تأکید می‌کند که بهره‌برداری از معادن باید با توجه به استانداردهای زیست‌محیطی و با هدف حفظ منابع برای نسل‌های آینده صورت گیرد. ماده ۵۶ قانون اساسی افغانستان نیز مواد ۵، ۴۸ و ۶۲ تصریح می‌کند که دولت مکلف است از محیط زیست و منابع طبیعی کشور به‌نحوه حمایت کند که حقوق نسل‌های آینده محفوظ بماند. قانون معادن افغانستان با جرم‌انگاری تخریب غیرمجاز معادن و تعیین جریمه‌های سنگین برای متخلفان، سعی دارد به حمایت کیفری از منابع طبیعی و تحقق اصل توسعه پایدار کمک کند. علاوه بر این، ایجاد سازوکارهای نظارتی برای کنترل و مدیریت بهره‌برداری‌های معدنی، بخشی از چهارچوب قانونی افغانستان برای تضمین توسعه پایدار است.

نتیجه‌گیری

پژوهش فرارو در پی آن بود که با کاوش منابع فقهی و حقوقی، بتوان حمایت کیفری از معادن را سنجید. بر این پایه تلاش شد، قواعد و اصول حاکم بر نظام فقه و حقوق را بررسی شود، گرچه تبیین همه اصول و ضوابط سودمند و ایفاکننده نقش در چهارچوب یک مقاله نمی‌گنجد، ولی به فراخور فرصت، چند اصل و ضابطه فقهی به بررسی گرفته شد. درنهایت باید گفت که ضوابط، مانند لاضرر، حرمت اکل مال به باطل، اصولی، مانند لزوم توسعه، حاکمیت دولت بر معادن، این امکان را به نظام تقنینی می‌دهد که در این زمینه کیفرگذاری کرده، تعدی بی‌ضابطه را جرم‌انگاری نمود. برآیند این رویکرد تجویزی، پدیداری مسؤلیت کیفری در برابر مواجهه غیرقانونی به دور از مقررات قانونی خواهد بود، این بدان معنا است که اصول و ضوابط

اصل توسعه پایدار یکی از اصول محوری و اساسی در زمینه حمایت کیفری از منابع طبیعی، از جمله معادن، است. این اصل به‌معنی استفاده بهینه و هم‌زمان از منابع طبیعی در راستای منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، با حفظ منابع برای نسل‌های آینده است. این اصل در پاسخ به نگرانی‌های مربوط به تخریب محیط زیست و کاهش منابع طبیعی به‌وجود آمده است و از نظر حقوقی، تعهداتی را بر دولت‌ها تحمیل می‌کند که بهره‌برداری از منابع باید به‌نحوه انجام شود که توانایی نسل‌های آینده برای استفاده از این منابع کاهش نیابد (World Commission on Environment and Development, 1987: 43).

توسعه پایدار در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی مطرح شده است. طبق تعریف ارائه‌شده توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار به‌معنای توسعه‌ای است که نیازهای کنونی را برآورده می‌کند، بدون این‌که توانایی نسل‌های آینده را برای رفع نیازهای خود به خطر بیندازد (WCED, 1987: 43). در حوزه معادن، این اصل به‌معنای مدیریت و بهره‌برداری بهینه از معادن است تا ضمن سودآوری اقتصادی و ایجاد اشتغال، آسیب به محیط زیست و منابع طبیعی به حداقل برسد.

در این راستا، حمایت کیفری از معادن به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از تخریب و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع معدنی مطرح می‌شود. قوانین کیفری می‌توانند نقش بازدارنده‌ای در برابر اقداماتی داشته باشند که منجر به نابودی منابع معدنی و محیط زیست مرتبط با آن می‌شوند. به این ترتیب، اصل توسعه پایدار با تضمین حفاظت از معادن در چهارچوب قانونی، منجر به حفظ منابع برای نسل‌های آینده می‌شود (Beyerlin & Marauhn, 2011: 28).

در ایران، اصل توسعه پایدار به‌عنوان یکی از مبانی مهم حمایت کیفری از معادن مطرح است. قانون معادن و قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی به‌صراحت اشاره دارند که بهره‌برداری از منابع معدنی باید به‌گونه‌ای انجام شود که آسیب‌های زیست‌محیطی به حداقل برسد و منابع برای آینده نیز حفظ شوند. اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تأکید دارد که حفاظت از محیط زیست وظیفه‌ای همگانی است و فعالیت‌های

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رستمی، علی (۱۳۹۶). *حقوق معادن و حفاظت از محیط زیست*. تهران: نشر میزان.
- سرخسی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۰۵). *المبسوط فی فقه الحنفیه*. بیروت: دار المعرفه.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۲۲). *لام*. بیروت: دار المعرفه.
- شهید ثانی (زین‌الدین بن علی) (۱۴۱۰). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *المکاسب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *المقنعه*. قم: انتشارات اسلامی.
- صالحی‌نیا، احمد (۱۳۹۴). *حفاظت از منابع معدنی و زیست‌محیطی در حقوق ایران*. پژوهش‌های حقوقی، ۸(۲)، ۴۰-۵۵.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۵). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی (حسن بن یوسف) (۱۴۰۷). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۹۸). *المحجّه البیضاء*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مزبور اثبات‌کننده حمایت کیفری از معادن خواهند بود. آنگاه که چنین شد، اگر شخص یا اشخاصی بدون مجوزهای قانونی یا خارج از چهارچوب‌های مجاز اقدام به استخراج، بهره‌برداری از معادن نمودند، از نظر نظام کیفری مسؤؤل خواهند بوده، محاکم و نهادهای مرتبط می‌توانند مجازاتی را برای آن در نظر بگیرند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶). *السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی و الرعیه*. ریاض: مکتبه المعارف.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۶). *المغنی*. قاهره: دار الهمجره.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۴۰۳). *کتاب الخراج*. قاهره: دار المعرفه.
- اکبری جعفری، محمدحسین (۱۳۹۷). *تحلیل جرایم معدنی و چالش‌های اجرایی آن در افغانستان*. فصلنامه حقوق افغانستان، ۲۵(۳)، ۳۰-۴۰.
- المعجم الوسیط (۱۹۸۰). قاهره: مجمع اللغه العربیه.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴). *الفقه علی المذاهب الاربعه*. قاهره: دارالفکر.

ج. قوانین

- قانون معادن افغانستان، مصوب ۱۳۹۷. وزارت معادن و پترولیوم افغانستان، کابل.

- قانون معادن ایران، مصوب ۱۳۷۷، با اصلاحات ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲. وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.

- کاسانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۶). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۳). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت.

- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- موسوی خمینی، روح‌اله (۱۴۱۰). *تحریر الوسیله*. قم: انتشارات اسلامی.

- نامور فرد، سمیرا (۱۳۹۵). *جرم‌انگاری در حقوق معادن ایران*. *مجله حقوق محیط زیست*، ۱۷(۴)، ۴۰-۲۵.

- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۱ هـ.ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. قم: دارالکتب الاسلامیه.

ب. منابع انگلیسی

- Beyerlin, U & Marauhn, T (2011). *International Environmental Law*, Hart Publishing.

- Davies, T (2011). *The Doctrine of State Sovereignty and the Legal Framework for Natural Resource Management*, p. 45. *International Review of Environmental and Resource Law*.

- Davies, T (2011). *The Doctrine of State Sovereignty and the Legal Framework for Natural Resource Management*, p. 45. *International Review of Environmental and Resource Law*.

- Schrijver, N (1997). *Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties in an Interdependent World*, p. 102. Cambridge University Press.

- United Nations Environment Programme (UNEP). (1992). *Rio Declaration on Environment and Development*, Principle 3.

- World Commission on Environment and Development (WCED) (1987). *Our Common Future*, p. 43.